حجاب واقعیتی که تاثیر مستقیم برسلامت جامعه دارد

29 مرداد 1402

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان درباره حجاب صحبت‌های متعددی داشته اند که از یکی از این سخنرانی‌ها را که در برنامه تلویزیونی ماه من بیان شده است را در زیر می‌خوانید:

برای حوزه و دانشگاه زشت است که مردم حجاب را صرفاً ارزشی می‌دانند نه دارای آثار واقعی.

چهل سال است نتوانستیم جا بیندازیم که دین، یک امر واقعی و احکامش تابع مصالح و مفاسد است؛ لذا خیلی‌ها حجاب را یک امر ارزشی و غیرواقعی تلقی کرده و ضرورتش را درک نمی‌کنند.

حالا به سراغ موضوعی برویم که در ابتدای جلسه عرض کردم و آن هم مسئله حجاب است.

خیلی زشت است که ما هنوز در جامعه خودمان لازم است درباره مسئله‌ای به نام حجاب بحث کنیم.

برای حوزه و دانشگاه ما زشت است.

چرا؟ چون تلقیِ مردم ما از اخلاق این است که اخلاق یک امر واقعی است یا یک امر ارزشی است؟ یک امر ارزشی.

این تقصیر حوزه و دانشگاه است که مردم چنین تلقی‌ای دارند.

درحالی‌که دین یک امر واقعی است. احکام دین تابع مصالح و مفاسد است.

این را دیگرهمه علما علم کلام، حداقل در جرگه جهان تشیّع، قبول دارند و ایراد آن تحریف دین، این بود که داشت از این دیدگاه خارج می‌شد.

صداوسیما، آموزش و پرورش، طلبه‌های مبلّغ! چرا شما در این مملکت هنوز نتوانستید جا بیندازید که مسئله حجاب، یک مسئله اخلاقی، ارزشی به معنای غیرواقعی نیست؟

بعضی‌ها به بنده می‌گویند:

چرا با اخلاق مشکل داری و یک مقدار این مفهوم را تضعیف می‌کنی؟

می‌گویم: به برداشت مردم از اخلاق نگاه کنید! برداشت مردم از اخلاق این است که یک فضیلت و یک ارزش است (ارزش به معنای امر غیرواقعی) و بعد می‌گویند: بیایید ارزش‌ها را پاس بداریم!

الآن اگر من این وسیله برقی را داخل آب بیندازم، طبیعتاً خیس می‌شود و خراب می‌شود؛ لذا وقتی شما می‌گویی «نینداز، خراب می‌شود!» دارید از یک واقعیت حکایت می‌کنید.

توصیه‌های اخلاقی را مردم این‌چنین نمی‌دانند.

چون این‌چنین نمی‌دانند، بعضی‌ها هم اصرار دارند که اخلاق را امر ارزشی تعریف کنند.

بنده می‌گویم اصلاً حجاب، یک امر اخلاقی نیست. می‌گویند: پس چیست؟

می‌گویم: یک امر واقعی است. می‌گویند: پس چرا دین گفته است؟ می‌گویم: خُب دین، همه‌اش دستور به واقعیت‌ها می‌دهد!

مقصرِ اینکه مردم دین را یک امر غیرواقعی تلقّی می‌کنند کیست؟

بیایید در این شب‌ها مقصّر را پیدا کنیم که چرا مردم دین را یک امر غیرواقعی تلقّی می‌کنند؟ تلقّی فیلسوفان و اندیشمندان غربی بعد از رنسانس علیه مسیحیت، به جامعه ما رسوخ کرده است؟ تلقّی برخی از مکاتب و فلسفه‌های اخلاقی است که در جامعه ما و جان جامعه ما رسوخ کرده است؟

چرا مردم حجاب را امر غیرواقعی می‌دانند؟

برخورد مردم با ماسک در دوران کرونا، آیا با حجاب فرق دارد یا نه؟ بله! و این غلط است.

مردم که ویروس را حس نمی‌کردند! لذا اگر ماسک می‌زدند دلیلش این بود که به گفته پزشک‌ها اعتماد کردند و الا خودشان که نرفتند زیر میکروسکوپ ویروس را ببینند و به این نتیجه برسند که باید ماسک بزنند.

بالاخره مردم به نظر پزشک‌ها برای لزوم استفاده از ماسک، اعتماد کردند و به تعبیری که در فقه ما

هست، مردم از مراجع پزشکی‌شان تقلید کردند.

ولی مردم می‌دانستند که این پزشک‌ها دارند از یک امر واقعی حرف می‌زنند.

چهل سال است نتوانستیم جا بیندازیم که دین یک امر واقعی است و احکامش تابع مصالح و مفاسد است

چرا ما چهل سال است نتوانستیم جا بیندازیم که دین یک امر واقعی است و احکامش تابع مصالح و مفاسد است؟ چه کسی اینجا مقصّر است؟ چرا بایداین دعوای مضحک سر حجاب در جامعه ما وجود داشته باشد؟! آیا این دعوا مضحک نیست؛ برای جامعه‌ای که در کلامش این‌جوری اعتقاد دارد، در فقه‌اش این‌جوری اعتقاد دارد، در اخلاقش آنجایی که فلسفه اخلاق از نگاه دینی، تبیین می‌شود، این‌جوری اعتقاد دارد. این معضل را کِی باید حل کرد؟

حجاب را چه کسی باید توضیح بدهد؟

الآن شما وقتی در هواپیمامی‌نشینید، حجاب را یک مقوله ارزشی و دینی معرفی می‌کند، ولی بستن کمربند ایمنی در هواپیما را یک امر ارزشی معرفی نمی‌کند بلکه یک امر واقعی معرفی می‌کند. قرائت ما از دین، و تلقی مردم این‌گونه شده است.

بنده از علما تقاضا می‌کنم، یک کمی سرشان از کتاب بیرون بیاورند و از کتابخانه بیرون بیایند و ببینند این آگاهی‌هایی که در جامعه منتشر شده، چگونه بوده است که الآن تلقی مردم درباره دین، این‌گونه است؟

حجاب صرفاً یک امر ارزشی نیست؛ بلکه یک امر عقلانی مربوط به سلامت روانی جامعه است

حجاب موضوعی است که در دسته‌بندی علوم، جزء موضوع علم «سلامت روان» قرار می‌گیرد.

ما الآن نظام مهندسی داریم. نظام مهندسی می‌گوید: من به شما اجازه نمی‌دهم ساختمانی بسازی که روی سر خودت خراب بشود.

ممکن است روی همسایه هم اثر بگذارد.

حتی اگر روی همسایه هم اثر نگذارد، من به خاطر سلامتی و ایمنی خودت، اصلاً به شما مجوّز نمی‌دهم. این یک گزاره یا توصیه اخلاقی است یا واقعی؟

وقتی می‌گوییم: «این یک گزاره اخلاقی نیست بلکه واقعی است» یعنی تلقّی عمومی از اخلاق این است که امر غیرواقعی است. درحالی‌که حجاب، یک امرواقعی است. ما نظام مهندسی داریم، نظام پزشکی داریم، نظام روانشناسی داریم.

نظام سلامت روانی کجاست؟

البته دین هم راهنمای آن است. با علوم تجربی هم می‌شود ضرورت حجاب را فهمید. الان برای درک ضرورت حجاب، زیاد هم به دین احتیاجی نیست؛ البته دین هم توصیه کرده است.

چرا دین، در برخی گزاره‌های واقعی دخالت کرده و به ما امر کرده است؟

چرا دین، آمده است در این گزاره‌های واقعی دخالت کرده است؟ خُب می‌گذاشت عقل خودِ ما برسد و بفهمیم.

چون بعضی از این‌ها مهم‌تر است و طول می‌کشد تا ما بفهمیم، لذا دین آمده و راهنمایی کرده است و الّا ما خودمان هم کار کنیم می‌توانیم بفهمیم.

آیت‌الله بهجت (ره) می‌فرماید: «با نور عقل، می‌توان فروع و اصول دین را اثبات نمود.»

یعنی نه‌تن‌ها اصول دین، بلکه فروع دین را هم می‌شود فهمید و اثبات کرد.

بعد می‌فرماید: «کسانی که با قواعد و استدلالات عقلی مخالفند بی‌دینی ترویج می‌کنند، زیرا «لا دینَ لِمَنْ لا عَقْلَ لَهُ». هر کس عقل نداشته باشد دین ندارد.

اقرار به توحید، توسط سراج عقل است و ثواب و عقاب به عقل است و حتی همین معنا را، عقل قبل از بیان می‌دانست. با متابعت و عدم متابعت از عقل، جای انسان اعلی‌علیین یا اسفل‌السافلین است.

آیا عقل دستور به فرار از مهالک و یا گرایش به خیرات را نمی‌دهد؟

بعضی از واقعیت‌ها پیچیده‌تر است، ما نوعاً اسم واقعیت‌های پیچیده‌تر را می‌گذاریم «اخلاقی»! خب اشتباه می‌کنیم! بعضی از واقعیت‌ها مهم‌تر است. مثلاً متخصص قلب با متخصص مو، هر دو متخصص هستند، ولی کدام مهم‌تر است.

ما فوقش از قید موهایمان می‌گذریم، ولی از قلب‌مان که نمی‌توانیم بگذریم! آن را جدّی‌تر می‌گیریم، ولی هر دوی این‌ها تخصص است و هر دو واقعیت است. اما برخی از واقعیت‌ها برای جامعه حیاتی‌ترند، لذا اسلام دخالت می‌کند و در آن مورد، راهنمایی می‌کند.

چه کسی را به بهشت می‌برند؟ کسی که عاقل‌تر است و به علم بها می‌دهد. چه کسی را به جهنم می‌برند؟ آدم احمق را!

مردم ما اکثراً این آیه قرآن را باور ندارند که می‌فرماید: «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره، ۱۳۰) یعنی چه کسی از دین فاصله می‌گیردجز آدم نادان؟ ولی مردم، الان بی‌دین را نادان نمی‌دانند، چون دین، به درستی معرفی نشده است.

این را باید اصلاح کرد! علمای اسلام به داد اسلام برسید، مبلّغینِ اسلام به داد اسلام برسید!

ما که ۲۴ساعته داریم دین را برای مردم معرفی می‌کنیم؛ پس با چه ادبیاتی دین را معرفی کرده‌ایم که

نتوانستیم این تلقیِ اشتباه را تغییر بدهیم؟! حتی بعضی از مدافعین حجاب هم این‌جوری از حجاب دفاع نمی‌کنند که یک امر عقلانی و مفید و فردی و اجتماعی است.

چرا برخی سیاسیون توانستند با تمسخر حجاب، رأی جمع کنند؟ چون مردم حجاب را یک امر ارزشی می‌دانند نه عقلانی!

بعضی از سیاسیون درجه‌یک این کشور که بعضاً آن‌ها را برای ریاست‌جمهوری قبول می‌کنند، می‌روند حجاب را مسخره می‌کنند رأی می‌آورند. آیا کسی دندانپزشکی را مسخره می‌کند تا رأی بیاورد؟! نه؛ پس چرا حجاب را مسخره می‌کنند؟ چون حجاب را یک امر ارزشی می‌دانند و می‌گویند: حجاب به عقیده افراد بستگی دارد، عقیده را تحمیل نکنید! هنوز در این کشور بی‌سوادهایی هستند که می‌گویند حجاب عقیده است و عقیده را تحمیل نکنید.

آقازاده آیت‌الله بهجت (ره) می‌فرماید که حضرت آیت‌الله بهجت در این زمینه مبنای خاصی داشت. بعضی از علمای گذشته نیز بر این نظریه بودند، ولی ایشان خیلی این قضیه را سرایت می‌داد و می‌فرمود: «همه احکام الهی، ارشادی است. تمام این احکامی که خدا حکم کرده را عقل یک انسان کامل نیز حکم می‌کند.»

حالا ما آن عقل کامل را نداریم، لذا به کلام خدا و کلام معصوم (ع) مراجعه می‌کنیم.

حجاب یک امر مربوط به سلامت روانی جامعه است.

بسیاری دیگر از احکام نیز همین‌طور هستند. پس موضوع تعبّدیات در این وسط، چه می‌شود؟

ما نسخه پزشک قلب خودمان را حتی نمی‌توانیم درست بخوانیم.

اما چون ایشان متخصص هستند، ما به او اعتماد می‌کنیم؛ به عنوان یک عالم. ولی ما هنوز این اعتماد را نسبت به پیغمبر و ائمه هدی، به عنوان یک عالم، در مردم ایجاد نکرده‌ایم.